

# سرمقاله: تبلیغ در محرم الحرام از

دیدگاه رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه العالی)

## محرم روح نهضت

در مورد مسأله محرم و عاشورا، باید بگویم که روح نهضت ما و جهتگیری کلی و پشتوانه پیروزی آن، همین توجه به حضرت ابی عبدالله علیه السلام و مسائل مربوط به عاشورا بود. شاید برای بعضی ها، این مسأله قدری ثقیل به نظر برسد؛ لیکن واقعیت همین است. هیچ فکری - حتی در صورتی که ایمان عمیقی هم با آن همراه باشد - نمی توانست توده های عظیم میلیونی مردم را آن چنان حرکت بدهد که در راه انجام آنچه احساس تکلیف می کردند، در انواع فداکاری ذره ای تردید نداشته باشند.

اساساً مادامی که ایمان، با محبت و عشق عمیق و رنگ و بوی پیوند عاطفی همراه نباشد، کارایی لازم را ندارد. محبت است که در مقام عمل و تحرک - آن هم در حد بالا به ایمان کارایی می بخشد. بدون محبت نمی شد ما نهضت را به پیش ببریم. بالاترین عنوان محبت - یعنی محبت به اهل بیت علیهم السلام - در تفکر اسلامی، در اختیار ماست. اوج این محبت، در مسأله کربلا و عاشورا و حفظ یادگارهای گران بهای فداکاری مردان خدا در آن روز است که برای تاریخ و فرهنگ تشیع، به یادگار گذاشته شده است. در آن روزهایی که مسائل اسلامی، با دیدهای نو مطرح می شد و جاذبه های خوبی

هم داشت و برای کسانی که با دین و اسلام سر و کار زیادی نداشتند، موضوع مبارکی هم بود و گرایش‌های نو در تفکر اسلامی، چیز بدی نبود- بلکه برای عالم اسلام و به‌خصوص قشر جوان ذخیره محسوب می‌شد- یک گرایش شبه روشن‌فکرانه به وجود آمده بود که ما بیاییم مسائل ایمانی و اعتقادی اسلام را از مسائل عاطفی احساسی- از جمله مسائل مربوط به عاشورا و روضه خوانی‌ها و گریه- جدا کنیم!

شاید بسیاری در آن روزها بودند که با توجه به اینکه در ماجرای ذکر عاشورا و روایت فداکاری ابا عبدالله (علیه السلام) چیزهایی وارد شده بود و احیاناً به شکل‌های تحریف‌آمیزی بیان می‌شد، این حرف برایشان مطلوب و شیرین بود و این گرایش رشد می‌کرد؛ لیکن در صحنه عمل، ما به وضوح دیدیم که تا وقتی این مسأله از طرف امام بزرگوارمان، به صورت رسمی و علنی و در چارچوب قضایای عاشورا مطرح نشد، هیچ کار جدی و واقعی انجام نگرفت.

در دو فصل، امام مسأله نهضت را به مسأله عاشورا گره زدند: یکی در فصل اول نهضت- یعنی روزهای محرم سال ۶۲- که تریون بیان مسائل نهضت، حسینه‌ها و مجالس روضه‌خوانی و هیئات سینه‌زنی و روضه روضه‌خوان‌ها و ذکر مصیبت گویندگان مذهبی شد و دیگری، فصل آخر نهضت- یعنی محرم سال ۵۷- بود که امام علیه السلام اعلام فرمودند: ماه محرم گرامی و بزرگ داشته بشود و مردم مجالس برپا کنند. ایشان، عنوان این ماه را ماه پیروزی خون بر شمشیر قرار دادند و مجدداً همان طوفان عظیم عمومی و مردمی به وجود آمد؛ یعنی ماجرای نهضت که روح و جهت حسینی داشت، با ماجرای ذکر مصیبت حسینی و یاد امام حسین علیه السلام گره خورد.

این، در مقام عمل بود. در مقام تبلیغ و واقع و ثبوت هم که مطلب روشن است. حرکت امام حسین علیه السلام برای اقامه حق و عدل بود: «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی ارید أن اامر بالمعروف و أنهی عن المنکر...»<sup>۱</sup> در زیارت اربعین که یکی از بهترین زیارات است، می‌خوانیم: «و منح النصح و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حيرة الضلالة»<sup>۲</sup>. آن حضرت در بین راه، حدیث معروفی را که از پیامبر نقل کرده‌اند، بیان

١. بحار الانوار، ج ٤٤، ص ٣٢٩

٢. مصباح المتعجد، ج ١، ص ٧٨٨

می‌فرمایند: «ایها الناس ان رسول الله ﷺ و سلم قال: من رأى سلطاناً جائراً مستحلاً لحُرِّمِ الله ناكثاً لعهد الله مخالفاً لسنة رسول الله يعمل في عباد الله بالاثم والعدوان ثم لم يغير بقول و لا فعل كان حقاً على الله أن يدخله مدخله»<sup>۱</sup>.

تمام آثار و گفتار آن بزرگوار و نیز گفتاری که درباره آن بزرگوار از معصومین رسیده است، این مطلب را روشن می‌کند که غرض، اقامه حق و عدل و دین خدا و ایجاد حاکمیت شریعت و برهم زدن بنیان ظلم و جور و طغیان بوده است. غرض، ادامه راه پیامبر اکرم ﷺ و دیگر پیامبران بوده است که: «السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله السلام عليك يا وارث نوح...»<sup>۲</sup> و معلوم است که پیامبران هم برای چه آمدند: «ليقوم الناس بالقسط»<sup>۳</sup>. اقامه قسط و حق و ایجاد حکومت و نظام اسلامی.

آنچه که نهضت ما را جهت می‌داد و امروز هم باید بدهد، دقیقاً همان چیزی است که حسین بن علی علیه السلام در راه آن قیام کرد. ما امروز، برای شهدای خود که در جبهه‌های گوناگون و در راه این نظام و حفظ آن، به شهادت می‌رسند، با معرفت عزاداری می‌کنیم. آن شهید و جوانی که یا در جنگ تحمیلی و یا در برخورد با انواع و اقسام دشمنان و منافقان و کفار به شهادت رسیده، هیچ شبهه‌ای برای مردم ما وجود ندارد که این شهید، شهید راه همین نظام است و برای نگه داشتن و محکم کردن ستون‌های همین نظام و انقلاب، به شهادت رسیده است؛ در حالی که وضع شهدای امروز، با شهدای کربلا که در تنهایی و غربت کامل قیام کردند و هیچ کس آنها را به پیمودن این راه تشویق نکرد، بلکه همه مردم و بزرگان وجوه اسلام، آنها را منع می‌کردند، متفاوت است. در عین حال، ایمان و عشقشان آن چنان لبریز بود که رفتند و غریبانه و مظلومانه و تنها به شهادت رسیدند. وضع شهدای کربلا، با شهدایی که تمام دستگاه‌های تبلیغی و مشوق‌های جامعه به آنها می‌گویند بروید و آنها هم می‌روند و به شهادت می‌رسند، فرق دارد. البته این شهید، شهید والامقامی است؛ اما او چیز دیگری است.

ما که امروز این نظام اسلامی را لمس می‌کنیم و برکات آن را از نزدیک می‌بینیم،

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۰۶.

۳. حدید (۵۷)، آیه ۲۵.

بیشتر از اسلاف خود، قدر نهضت حسینی علیه السلام و معنای آن را درک می‌کنیم و باید بکنیم. آن بزرگوار، برای چنین چیزی حرکت کرد. آن بزرگوار، برای همین قیام کرد که رژیم‌های فاسد و مخرب انسان و دین و ویرانگر صلاح، در جامعه نباشند و نظام اسلامی و الهی و انسانی و مبنی بر صلاح، در جامعه استقرار پیدا کند. البته، اگر آن نظام در زمان آن بزرگوار و یا در زمان ائمه بعدی که معصومند و به منبع وحی متصلند - تحقق پیدا می‌کرد و آنها در رأس آن نظام قرار می‌گرفتند، طبیعی است که وضعشان با ما متفاوت بود. در عین حال، هیکل و هندسه قضیه، یکی است و آنها هم برای همین طور نظامی، حرکت می‌کردند. حالا این یک بحث طولانی است که نمی‌خواهم در اینجا وارد آن بشوم که آیا ائمه علیهم السلام برای ایجاد نظام اسلامی، عزم جدی داشتند یا کار آنها صرفاً به عنوان سرمشق بود.

آنچه که از روایات مربوط به زندگی ائمه علیهم السلام به دست می‌آید و شواهد زیادی بر آن وجود دارد، این است که ائمه علیهم السلام جداً می‌خواستند نظام اسلامی به وجود آورند. این کار - آن طور که تصور می‌شود - با علم و معرفت امام منافات ندارد. آنها واقعاً می‌خواستند نظام الهی برقرار کنند. اگر برقرار می‌کردند تقدیر الهی همان بود. تقدیر الهی و اندازه گیری‌ها در علم پروردگار، با شرایط گوناگون اختلاف پیدا می‌کند که حالا این موضوع را بحث نمی‌کنیم. اجمالاً، در اینکه حرکت آنها برای این مقصود بوده است، شکی نیست. ما امروز، به برکت آن نهضت و حفظ فرهنگ و روحیه آن نهضت، در جامعه خودمان این نظام را به وجود آورده‌ایم. اگر در جامعه ما، عشق به امام حسین علیه السلام و یاد او و ذکر مصایب و حوادث عاشورا معمول و رایج نبود، معلوم نبود که نهضت با این فاصله زمانی و با این کیفیتی که پیروز شد، به پیروزی می‌رسید. این، عامل فوق العاده موثری در پیروزی نهضت بود و امام بزرگوار ما، در راه همان هدفی که حسین بن علی علیه السلام قیام کرده بودند، از این عامل حداکثر استفاده را کردند.

امام علیه السلام با ظرافت، آن تصور غلط روشن فکر مآبانه قبل از پیروزی انقلاب را که در برهه‌ای از زمان رایج بود، از بین بردند. ایشان، جهتگیری سیاسی مرفقی انقلابی را با جهتگیری عاطفی در قضیه عاشورا پیوند و گره زدند و روضه خوانی و ذکر مصیبت را احیا کردند و فهماندند که این، یک کار زاید و تجملاتی و قدیمی و منسوخ در جامعه

ما نیست؛ بلکه لازم است و یاد امام حسین و ذکر مصیبت و بیان فضایل آن بزرگوار- چه به صورت روضه خوانی و چه به شکل مراسم عزاداری گوناگون- باید به شکل رایج و معمول و گریه آور و عاطفه برانگیز و تکان دهنده دل‌ها، در بین مردم ما باشد و از آنچه که هست، قوی‌تر هم بشود. ایشان، بارها بر این مطلب تاکید می‌کردند و عملاً هم خودشان وارد می‌شدند.<sup>۱</sup>

## حفظ دین با عاشورا

اما موضوع دوم، موضوع محرم و تبلیغات است. اساس دین با عاشورا پیوند خورده و به برکت عاشورا هم باقی مانده است. اگر فداکاری بزرگ حسین بن علی علیه السلام نمی‌بود- که این فداکاری، وجدان تاریخ را به کلی متوجه و بیدار کرد- در همان قرن اول یا نیمه قرن دوم هجری، بساط اسلام به کلی برچیده می‌شد. قطعاً این گونه است. اگر کسی اهل مراجعه به تاریخ باشد و حقایق تاریخی را ملاحظه کند، این را تصدیق خواهد کرد. چیزی که وجدان جامعه اسلامی را در آن زمان برآشفته و اسوه و الگویی برای بعدی‌ها شد، همین حادثه عجیبی بود که تا آن روز در اسلام سابقه نداشت. البته، بعد از آن، نظایر بسیاری پیدا کرد؛ اما هیچ کدام از آن نسخه‌ها، مطابق اصل نبود. امت اسلام، شهیدان زیادی داد. شهدای دسته جمعی داد. اما هیچ کدام به پای حادثه عاشورا نرسید. حادثه عاشورا، در اوج قله فداکاری و شهادت باقی ماند و همچنان تا قیامت باقی خواهد ماند. «لا یوم کیومک یا ابا عبدالله»<sup>۲</sup> ما شیعیان، از این حادثه، خیلی بهره برده‌ایم. البته غیر شیعه هم، استفاده کرده اند. امروز، در کشور مصر، مسجد «رأس الحسین» آنجا که خیال می‌کنند سر مقدس آن بزرگوار مدفون است محل تجمع عواطف مردم محب اهل بیت مصر است. ملت مصر، ملت خوبی است. ملت، محب

۱. سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و ائمه جماعت و جامعه و عاظمای تهران و اعضای شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، در آستانه ماه

محرم ۱۳۷۸/۰۵/۱۱.

۲. امالی صدوق ص ۱۱۶.

اهل بیت علیهم السلام است. همه جای دنیا، متأثر از این واقعه اند؛ اما شیعه از این واقعه یک استفاده فوق العاده کرده است. ما دین را به وسیله این حادثه حفظ کردیم؛ احکام را برای مردم بیان کردیم؛ عواطف مردم را در خدمت دین و ایمان قرار دادیم. «ما» که می‌گوییم یعنی طایفه روحانیون و مبلغین، در طول چند قرن گذشته. آخرین برکت عظیم حادثه کربلا همین انقلاب هوشمند ماست. اگر حادثه کربلا و اسوه گیری از آن نبود، این انقلاب پیروز نمی‌شد. امام بزرگوارمان که در محرم سال ۵۷ فرمودند: ماهی که خون بر شمشیر پیروز است، این خط و این درس را از محرم دادند. سراغ جنگ هم که بروید همین است.<sup>۱</sup>

## وظیفه نسبت به محرم و نهضت عاشورا

### تبلیغات ماه محرم: زمان انتقال بصیرت

یک نمونه، همین تبلیغات ماه محرم است که به مناسبت عزاداری محرم انجام می‌گیرد. این، بهترین فرصت برای تبلیغ کردن است. از این فرصت باید استفاده کرد برای همان مطلبی که عرض شد؛ شاخص ایجاد بشود؛ مایز، شاخص سازی، معالم الطريق. اگر چنانچه سر دو راهی تابلویی نباشد که نشان بدهد راه فلان جا از کجاست، طرف راست است یا طرف چپ است، این سیر کننده و رونده، به خطا خواهد افتاد. اگر چند راهی باشد، گمراه خواهد شد. شاخص باید معین کرد، انگشت اشاره را بایستی واضح مقابل چشم همه قرار داد تا بتوانند گمراه نشوند. در دنیایی که اساس کار دشمنان حقیقت بر فتنه‌سازی است، اساس کار طرفداران حقیقت بایست بر این باشد که بصیرت را، راهنمایی را، هر چه می‌توانند، برجسته‌تر کنند و این شاخص‌ها را، این مایزها را، این معالم الطريق را بیشتر، واضح‌تر، روشن‌تر در مقابل چشم مردم قرار بدهند، که مردم بفهمند، تشخیص بدهند و گمراه نشوند.<sup>۲</sup>

۱. بیانات در جمع علما، طلاب و روحانیان، در آستانه ی ماه محرم ۱۳۷۲/۰۳/۲۶.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون ۱۳۸۸/۰۹/۲۲.

## انتقال صحیح و بی پیرایه معارف

اولین شرط این است که ما حادثه را از پیرایه‌های مضر خالی کنیم. چیزهایی وجود دارد که اگرچه پیرایه است، اما نه مضر و نه حتی دروغ است. همه کسانی که بخواهند با بیان هنری، حادثه‌ای را ترسیم کنند، فقط متن حادثه را نمی‌گویند. وقتی شما می‌شنوید که در شرایط خاصی، سخنی از زبان کسی خارج شده، می‌توانید احساسات آن گوینده سخن را هم حدس بزنید. این، یک چیز قهری است. اگر در بیابانی و در مقابل لشکریانی، انسانی حرفی بر زبان جاری می‌کند، بسته به اینکه آن حرف چه باشد- دعوت و التماس و تهدید و ....- قاعداً حالاتی در روح و ذهن این گوینده وجود دارد که این برای شنونده عاقل، قابل حدس است و برای گوینده هنرمند نیز قابل بیان می‌باشد. گفتن اینها، اشکالی ندارد.

ما وقتی بخواهیم حالات امام و اصحابش را در روز و شب عاشورا آن مقداری که در کتب معتبره خواندیم و یافتیم بیان کنیم، قهراً خصوصیات و ملابساتی دارد. فرض کنید سخنی که امام با یارانش در شب عاشورا گفته است، می‌توانید با این خصوصیات بیان کنید: در تاریکی شب و یا در تاریکی غم انگیز و حزن آور آن شب و از این قبیل. این پیرایه‌ها، نه مضر و نه دروغ است؛ اما بعضی از پیرایه‌ها دروغند و بعضی از نقل‌ها خلاف می‌باشند و حتی آنچه که در بعضی از کتاب‌ها نوشته شده است، مناسب شأن و لایق مفهوم و معنای نهضت حسینی نیست. اینها را بایستی شناخت و جدا کرد.

بنابراین، اولین مسأله این است که ما حادثه را خالص کنیم و آن حادثه خالص شده و دقیق و متقن را، به انواع بیان‌های هنری- از شعر و نثر و سبک روضه خوانی که خودش یک سبک هنری مخصوصی است- بیامیزیم. این کار، اشکالی ندارد و مهم است. ما باید این کار را بکنیم. کسانی که در این رشته متصلّب و واردند، باید این کار را انجام بدهند. اگر ما از حادثه عاشورا، مثلاً «لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةُ الضَّلَالَةِ»<sup>۱</sup> را بیان کردیم- که امروز معنا و مفهوم آن برای ما روشن است- ولی آن معنا و مفهوم را نقض کرد و با آن مخالفت و مغایر بود؛ این کار، خدمت به مرام حسینی و حادثه عاشورا نیست. ما باید

۱. مصباح المجتهد، ص ۷۸۸.

حادثه را خالص کنیم و سپس ابعاد مختلف آن را برای مردم تشریح نماییم. من نمی‌خواهم به آقایان علما و مبلغان و گویندگان و ذاکران محترم و همه جمع ما که اهل منبر و روضه و بیان مصایب و محامد سیدالشهدا علیه السلام هستیم، مطلبی را در آن زمینه‌ها مطرح بکنم؛ ولی به‌طور کلی باید بگویم که این حادثه - به عنوان پشتوانه نهضت و انقلاب - باید آبرومند و پرتیش و پرقدرت باقی بماند. اگر برخورد امروز ما با این حادثه، مثل روضه‌خوانی باشد که در پنجاه سال قبل برخورد می‌کرد - یعنی چیزی را در جایی می‌دید و مثلاً بر حسب احتمال ذهنی، آن را ترجیح می‌داد و نقل می‌کرد و مؤمنین را می‌گریاند و هم آنها و هم خود او به ثواب می‌رسیدند - ممکن است به حادثه ضرر بزنیم.

امروز این حادثه، پشتوانه یک نهضت است. اگر امروز به ما بگویند ریشه این نهضتی که به‌وجود آورده‌اید کجاست؟ ما می‌گوییم: ریشه‌اش پیامبر و امیرالمؤمنین و امام حسین علیه السلام است. امام حسین کیست؟ کسی است که این حادثه را به‌وجود آورده و در تاریخ از او نقل شده است. پس این حادثه، پشتوانه این نهضت است. اگر ما ندانسته و بی‌توجه و از روی سهل‌انگاری، حادثه را با چیزهایی که جزو آن نیست، مشوب کردیم، به آن حادثه و نیز به انقلابی که ناشی از آن حادثه است، خدمت نکرده‌ایم!

### منطق، حماسه و عاطفه، سه عنصر نهضت حسینی

ما مبلغان، زیر نام حسین بن علی تبلیغ می‌کنیم. این فرصت بزرگ را یاد این بزرگوار به مبلغان دین بخشیده است، که بتوانند تبلیغ دین را در سطوح مختلف انجام بدهند. هر یک از آن سه عنصر باید در تبلیغ ما نقش داشته باشد؛ هم صرف پرداختن به عاطفه و فراموش کردن جنبه نطق و عقل که در ماجرای حسین بن علی علیه السلام نهفته است، کوچک کردن حادثه است، هم فراموش کردن جنبه حماسه و عزت، ناقص کردن این حادثه عظیم و شکستن یک جواهر گران‌بهاست؛ این مسأله را باید همه - روضه‌خوان، منبری و مداح - مراقب باشیم.<sup>۲</sup>

۱. سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران، علما و ائمه جماعت و جامعه وعاظ تهران و اعضای شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، در آستانه ماه حرم ۱۳۷۷/۰۵/۱۱.

۲. بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۸۴/۱۱/۰۵.



## اهمیت روضه‌خوانی در کنار مباحث فکری

این را هم من در مورد تبلیغ در دوران محرم - که حالا در پیش هست - عرض بکنم که بعضی حالا ممکن است بگویند شما می‌خواهید نهضت امام حسین را بیان بکنید، خیلی خوب، بروید بیان کنید، دیگر روضه‌خوانی و گریه و زاری و اینها چیست؟ بروید بنشینید بیان کنید که حضرت این کار را کردند، این کار را کردند، هدفشان هم این بود. این، خیلی فکر خطایی است، نگاه غلطی است. این عاطفه نسبت به اولیای خدا، اولیای دین، این پیوند عاطفی، پشتوانه بسیار ارزشمند پیوند فکری و پیوند عملی است. بدون این پشتوانه، خیلی سخت می‌شود در این راه حرکت کرد. این پیوند عاطفی، خیلی مهم است. اینی که امام راحل علیه السلام فرمودند عزاداری به سبک سنتی، این یک حرف از روی عادت نبود؛ حرف بسیار عمیقی است؛ ژرف‌نگرانه است. ببینید در قرآن نسبت به اولیای الهی سه تعبیر وجود دارد:

یک تعبیر، تعبیر ولایت است؛ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»<sup>۱</sup> بحث ولایت. معلوم است که پیوند، ارتباط، معرفت، اینها داخل در زیر مجموعه ولایت است.

یک بحث، بحث اطاعت است؛ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>۲</sup> اطاعت رسول و اطاعت اولی الامر. این، در عمل است. در میدان عمل باید اطاعت کرد، پیروی کرد. اما یک بحث سومی جود دارد و آن، بحث مودت است. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»<sup>۳</sup>. این مودت چیست دیگر؟ ولایت اینها را داشته باشید، اطاعت هم از اینها بکنید؛ مودت برای چیست؟ این مودت، پشتوانه است. اگر این مودت نباشد، همان بلایی بر سر امت اسلامی خراهد آمد که در دوران‌های اول بر سر یک عده‌ای آمد که همین مودت را کنار گذاشتند، به تدریج اطاعت و ولایت هم کنار گذاشته شد. بحث مودت خیلی مهم است. این مودت، با این ارتباطات عاطفی حاصل می‌شود؛ ماجرای مصیبت‌های اینها را گفتن، یک‌جور ایجاد ارتباط عاطفی است؛

۱. مائده (۵)، آیه ۵۵

۲. نساء (۴)، آیه ۵۹

۳. شوری (۴۲)، آیه ۲۳

ماجرای مناقب اینها و فضایل اینها را گفتن، یک جور دیگر پیوند عاطفی است. بنابراین، این عزاداری‌هایی که انجام می‌گیرد، این گریه و زاری‌ای که می‌شود، این تشریح حوادث عاشورا که می‌شود، اینها چیزهای لازمی است. یک عده از موضع روشنفکری نیایند بگویند آقا، اینها دیگر لازم نیست؛ نه، اینها لازم است؛ اینها تا آخر لازم است؛ همین کارهایی که مردم می‌کنند. البته یک شکل‌های بدی وجود دارد که گفته‌ایم؛ مثل قمه زدن که گفتیم این ممنوع است، نباید این کار انجام بگیرد؛ این، مایه دراز شدن زبان دشمنان علیه دوستان اهل بیت است. اما همین عزاداری متعارفی که مردم می‌کنند؛ دسته‌جات سینه‌زنی راه می‌اندازند، علم بلند می‌کنند، اظهار محبت می‌کنند، شعار می‌نویسند، می‌خوانند، گریه می‌کنند؛ اینها ارتباط عاطفی را روز به روز بیشتر می‌کند؛ اینها خیلی چیزهای خوبی است. این، اهمیت تبلیغ!

### از دید محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام)

اولین ویژگی باید این باشد که چنین مجالسی، محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) را زیاد کنند. چون رابطه عاطفی، یک رابطه بسیار ذی قیمت است. شما، روحانیون، باید کاری کنید که محبت شرکت‌کنندگان در مجالس مذکور، روز به روز نسبت به حسین بن علی (علیه‌السلام)، خاندان پیغمبر و مناشی معرفت الهی، بیشتر شود. اگر شما خدایی ناکرده، در مجالس مذکور وضعی را به وجود آورید که مستمع یا فرد بیرون از آن فضا، از لحاظ عاطفی به اهل بیت (علیهم‌السلام) نزدیک نشد، بلکه احساس دوری و بی‌زاری کرد، نه فقط چنین مجالسی فاقد یکی از بزرگ‌ترین فواید خود شده، بلکه به یک معنا، مضر هم بوده است. حال شما که مؤسس یا گوینده چنین مجالسی هستید، ببینید چه کاری می‌توانید بکنید که عواطف مردم، بر اثر حضور در این مجالس، نسبت به حسین بن علی (علیه‌السلام) و اهل بیت پیغمبر علیهم‌السلام افضل صلوات الله روزه‌روز بیشتر شود.<sup>۱</sup>

۱. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون ۱۳۸۸/۰۹/۲۲.

۲. بیانات در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویر احمد در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۷۳/۰۳/۱۷.

## از دیاد معرفت به حادثه‌ی عاشورا

دومین ویژگی‌ای که باید در این مجالس به وجود آید، این است که مردم نسبت به اصل حادثه عاشورا، معرفت روشن‌تر و واضح‌تری پیدا کنند. این طور نباشد که ما در مجلس حسین بن علی علیه السلام، به منبر برویم یا سخنرانی کنیم، اما موضوع سخنرانی، حضار آن مجلس، اعم از جوان و غیر جوان و زن و مرد اهل فکر و تأمل را - که امروز در جامعه ما بسیارند و این از برکات انقلاب است - به این فکر فرو ببرد که «ما به این مجلس آمدیم و گریه‌ای هم کردیم؛ اما برای چه؟ قضیه چه بود؟ چرا باید برای امام حسین علیه السلام گریه کرد؟ اصلاً چرا امام حسین علیه السلام به کربلا آمد و عاشورا را به وجود آورد؟» بنابراین، به عنوان منبری یا سخنران، باید به موضوعاتی پردازید که جوابگوی چنین سؤالاتی باشد. باید نسبت به اصل حادثه عاشورا معرفتی در افراد به وجود آید. اگر در روضه‌خوانی و سخنرانی یا سایر مطالب بیان شده از طرف شما، نکته‌ای روشن‌گر یا حداقل به این معنا نباشد، یک رکن از آن سه رکنی که عرض شد، کم و ناقص خواهد بود. یعنی ممکن است مجلس مذکور، فایده لازم را ندهد و ممکن هم هست خدای ناکرده در بعضی از فروض، ضرر هم بکنیم!

## برگزاری سنتی مراسم

من واقعاً می‌ترسم از این که خدای ناکرده، در این دوران که دوران ظهور اسلام، بروز اسلام، تجلی اسلام و تجلی فکر اهل بیت علیهم السلام است، نتوانیم وظیفه‌مان را انجام دهیم. برخی کارهاست که پرداختن به آنها، مردم را به خدا و دین نزدیک می‌کند. یکی از آن کارها، همین عزاداری‌های سنتی است که باعث تقرب بیشتر مردم به دین می‌شود. این که امام فرمودند: عزاداری سنتی بکنید، به خاطر همین تقریب است. در مجالس عزاداری نشستن، روضه خواندن، گریه کردن، به سر و سینه زدن و مواکب عزاداری و دسته‌های عزاداری به راه انداختن، از اموری است که عواطف عمومی را نسبت به

خاندان پیغمبر، پرجوش می‌کند و بسیار خوب است. در مقابل، برخی کارها هم هست که پرداختن به آنها، کسانی را از دین برمی‌گرداند!

بنده می‌خواهم به‌طور خلاصه، دو مطلب را عرض کنم: یکی اینکه، عاشورا و ماجرای حسین بن علی علیه السلام باید در منبر، به شکل سستی روضه‌خوانی شود؛ اما نه برای سنت‌گرایی، بلکه از طریق واقعه‌خوانی. یعنی اینکه، شب عاشورا این‌طور شد، روز عاشورا این‌طور شد، صبح عاشورا این‌طور شد. شما ببینید یک حادثه بزرگ، به مرور از بین می‌رود؛ اما حادثه عاشورا، به برکت همین خواندن‌ها، با جزئیاتش باقی مانده است. فلان کس این‌طوری آمد با امام حسین وداع کرد؛ این‌طوری رفت به میدان، این‌طوری جنگید؛ این‌طوری شهید شد و این کلمات را بر زبان جاری کرد.

واقعه‌خوانی، تا حد ممکن، باید متقن باشد. مثلاً در لهوف ابن طاوس و ارشاد مفید و امثال اینها- نه چیزهای من‌درآوردی- واقعه‌خوانی و روضه‌خوانی شود. در خلال روضه‌خوانی، سخنرانی، مداحی، شعرهای مصیبت، خواندن نوحه سینه‌زنی و در خلال سخنرانی‌های آموزنده، ماجرا و هدف امام حسین علیه السلام. یعنی همان هدفی که در کلمات خود آن بزرگوار هست که: «وَأَنْتَ لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطِرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَّتْ» بیان شود. این، یک سر فصل است. عباراتی از قبیل «إِنَّمَا النَّاسُ، إِنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِسًا لِعَهْدِ اللَّهِ... ثُمَّ لَمْ يُعَيِّرْ بِقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ» و «مَنْ كَانَ فِينَا بَاذِلًا مُهْجَتَهُ مُوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعْنَا» هر کدام یک درس و سر فصل‌اند.

بحث لقاء الله و ملاقات با خداست. هدف آفرینش بشر و هدف «أَنْتَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا»- همه این تلاش‌ها و زحمت‌ها- همین است که «فَمَلَاqِيه»: ملاقات کند. اگر کسی موطن در لقاء الله است و بر لقاء الله توطین نفس کرده است، «فلیرحل معنَا»: باید با

۱. همان.

۲. بحار الانوار. ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۳. همان ص ۳۸۲.

۴. همان ص ۳۶۷.

۵. انشقاق (۸۴)، آیه ۶.

حسین راه بیفتد. نمی‌شود توی خانه نشست. نمی‌شود به دنیا و تمتعات دنیا چسبید و از راه حسین غافل شد. باید راه بیفتیم. این راه افتادن از درون و از نفس ما، با تهذیب نفس شروع می‌شود و به سطح جامعه و جهان می‌کشد.

اینها باید بیان شود، اینها هدف‌های امام حسین است، اینها خلاصه‌گیری‌ها و جمع‌بندی‌های نهضت حسینی است. جمع‌بندی نهضت حسینی علیه السلام این است که یک‌روز امام حسین علیه السلام در حالی که همه دنیا در زیر سیطره ظلمات ظلم و جور پوشیده و محکوم بود و هیچ‌کس جرأت نداشت حقیقت را بیان کند- فضا، زمین و زمان سیاه و ظلمانی بود- قیام کرد. شما نگاه کنید، ببینید: «ابن عباس» با امام حسین نیامد. «عبدالله بن جعفر» با امام حسین نیامد.

عزیزان من! معنای این چیست؟ این نشان نمی‌دهد که دنیا در چه وضعی بود؟ در چنین وضعیتی، امام حسین تک و تنها بود. البته چند ده نفری دور و بر آن حضرت ماندند؛ اما اگر نمی‌ماندند هم، آن حضرت می‌ایستاد. مگر غیر از این است؟! ... خب؛ اگر همه ما عاشورایی باشیم، حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع، و زمینه ظهور ولی مطلق حق، فراهم خواهد شد. باید این مفاد برای مردم بیان شود. فراموش نکنید که هدف امام حسین بیان شود. حالا ممکن است انسان یک حدیث اخلاقی هم به فرض بخواند، یا سیاست کشور یا دنیا را تشریح کند. اینها لازم است؛ اما در خلال سخن، حتماً طوری صحبت شود که تصریحاً، تلویحاً، مستقلاً و ضمناً، ماجرای عاشورا تبیین شود و مکتوم و مخفی نماند. این، مطلب اول بود!

### افزایش ایمان مردم

سومین ویژگی لازم در این مجالس، افزایش ایمان و معرفت دینی در مردم است. در چنین مجالسی باید از دین، نکاتی عنوان شود که موجب ایمان و معرفت بیشتر در مستمع و مخاطب گردد. یعنی سخنرانان و منبری‌ها، یک موعظه درست، یک حدیث صحیح، بخشی از تاریخ آموزنده درست، تفسیر آیه‌ای از قرآن یا مطلبی از یک عالم و دانشمند بزرگ اسلامی را در بیانات خود بگنجانند و به سمع شرکت‌کنندگان در این

مجالس برسانند. این طور نباشد که وقتی بالای منبر می‌رویم، یک مقدار لفاظی کنیم و حرف بزنیم و اگر احیاناً مطلبی هم ذکر می‌کنیم، مطلب سستی باشد که نه فقط ایمان‌ها را زیاد نمی‌کند، بلکه به تضعیف ایمان مستمعین می‌پردازد. اگر این طور هم شد، ما از جلسات مذکور به فواید و مقاصد مورد نظر نرسیده‌ایم.

متأسفانه باید عرض کنم که گاهی چنین مواردی دیده می‌شود یعنی بعضاً گوینده‌ای در یک مجلس به نقل مطلبی می‌پردازد که هم از لحاظ استدلال و پایه مدرک عقلی یا نقلی سست است و هم از لحاظ تأثیر در ذهن یک مستمع مستبصر و اهل منطق و استدلال، ویرانگر است. مثلاً در یک کتاب، بعضی مطالب نوشته شده است که دلیلی بر کذب و دروغ بودن آنها نداریم. ممکن است راست باشد، ممکن است دروغ باشد. اگر شما آن مطالب را بیان کنید- ولو مسلّم نیست خلاف واقع باشد- و با شنیدن آنها برای مستمعان، که جوان دانشجو یا محصل یا رزمنده و یا انقلابی است نسبت به دین، سؤال و مسأله ایجاد می‌شود و اشکال و عقده به وجود می‌آید، نباید آن مطالب را بگویید. حتی اگر سند درست هم داشت؛ چون موجب گمراهی و انحراف است، نباید نقل کنید؛ چه رسد به اینکه اغلب این مطالب مندرج در بعضی کتاب‌ها، سند درستی هم ندارد. یک نفر از زبان دیگری، مطلبی را مبنی بر این می‌شنود که من در فلان سفر، فلان جا بودم، که فلان اتفاق افتاد. گوینده از روی مدرک یا بدون مدرک، چنان مطلبی را می‌گوید. شنونده هم آن را باور می‌کند و در کتابی می‌نویسد و این کتاب به دست من و شما می‌رسد. من و شما چرا باید آن مطلب را که نمی‌تواند در یک مجمع بزرگ، برای ذهن‌های مستبصر و هوشیار و آگاه توجیه شود، بازگو کنیم؟! مگر هر مطلبی را هر جا نوشتند، انسان باید بخواند و بازگو کند؟!

امروز عموم جوانان- از دختر و پسر گرفته تا زن و مرد، و حتی غیرجوانان- ذهنشان باز است. اگر دیروز جوانان دانشجو از این ویژگی برخوردار بودند، امروز مخصوص آنها نیست و همه، مسائل را با چشم بصیرت و با استبصار نگاه می‌کنند و می‌خواهند بفهمند. یک بخش مهم از حادثه فرهنگی در جامعه این است که اینها در معرض شبهات قرار می‌گیرند. یعنی دشمنان شبهه القا می‌کنند. دشمنان هم؛ متکبرین فکر من و شما به القای شبهه می‌پردازند. مگر می‌شود گفت هر کس فکر ما را قبول

ندارد، لال شود، حرف نزنند، و هیچ شبهه‌ای القا نکند؟ مگر می‌شود این‌طور گفت؟ به هر حال حرف می‌زنند، مطلب می‌پراکنند، به ایجاد تردید می‌پردازند و شبهات درست می‌کنند. مهم این است که مطلبی که شما می‌گویید، برطرف کننده شبهه باشد و آن‌را زیاد نکند.

بعضی از افراد، بدون توجه به این مسئولیت مهم، به بالای منبر می‌روند و حرفی می‌زنند که نه فقط گره‌ای از ذهن مستمع باز نمی‌کند که گره‌هایی هم به ذهن او می‌افزاید. اگر چنین اتفاقی افتاد و ما در بالای منبر حرفی زدیم که ده نفر جوان، پنج نفر جوان، یا حتی یک نفر جوان، در امر دین دچار تردید شد و بعد از پای سخنرانی ما برخاست و رفت و ما هم او را نشناختیم، بعداً چگونه می‌شود جبران کرد؟ آیا اصلاً قابل جبران است؟ آیا خدا از ما خواهد گذشت؟ قضیه مشکل است!

### تکیه بر آرمان حاکمیت اسلامی در نهضت عاشورا

مطلب دوم اینکه، از این فرصت استفاده شود و همان‌طور که خود حسین بن علی علیه السلام به برکت جهادش، اسلام را زنده کرد- اسلام، در حقیقت زنده شده و آزاد شده خون و قیام حسین بن علی است- امروز هم شما به انگیزه یاد، نام و منبر آن بزرگوار، حقایق اسلامی را بیان کنید؛ قرآن و حدیث را معرفی کنید؛ نهج البلاغه را برای مردم بخوانید؛ حقایق اسلامی، از جمله همین حقیقت مبارکی را که امروز در حکومت حق، یعنی نظام علوی و نبوی جمهوری اسلامی، تجسد پیدا کرده است برای مردم بیان کنید. این، جزو بالاترین معارف اسلامی است. خیال نکنید که می‌شود اسلام را تبیین کرد و از حاکمیت اسلام- که امروز در این مرز و بوم متجسد شده است- غافل ماند و آن‌را مغفول عنه گذاشت. این، توصیه ما به شما عزیزان است!

### یاد کردن از شهدا

آقایان مبلغین، وعاظ، گویندگان مذهبی، خوانندگان و مداحان مذهبی، فراموش

۱. بیانات در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویر احمد در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۷۳/۰۳/۱۷.

۲. بیانات در دیدار روحانیون و وعاظ، در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۷۴/۰۳/۰۳.

نکنند که در زمان ما، نمونه کاملی از حوادث عاشورا، همین بسیجی‌هایند. همین بچه‌ها و جوانان بسیج‌اند. این یادتان نرود عده‌ای از آنان شهید شدند، عده‌ای هم هستند. اینهایی که هستند، اگر شهید نشدند به‌خاطر این نبود که از شهادت گریختند. به سراغ شهادت رفتند؛ اما شهادت به سراغشان نیامد. فراموش نشود که ماجرای عاشورا و محرم، با شهدای ما و با بقایای آن بسیجی‌ها که امروز بحمدالله از پیر و جوان در جامعه ما زیادند پیوند دارد. این ماه تبلیغ، مقابل ما و شماست. مواظب باشید از این ماه حداکثر بهره را در راه دین و برای خدا ببرید<sup>۱</sup>.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱. بیانات در جمع علماء، طلاب و روحانیان، در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۷۲/۰۳/۲۶.